

پرهیز از پرده دری در امر به معروف

انسان، طبیعتاً به خطاکاری گرایش دارد، وگرنه دیگر نیازی به امر و نهی نبود. از آن جا که غرایز در او بالفعل و تربیت پذیری بالقوه است، اگر به خود واگذاشته شود، به کجروی خواهد افتاد. در این مرتبه نفس بسیار نیرومند و حاکم و آمر است و همان است که حضرت یوسف از آن چنین یاد می کند: «نفس خود را تبرئه نمی کنم که نفس به بدی فرمان می دهد، مگر آن که پروردگرم رحم کند».[۱]

بدین ترتیب، حتی در آرمانی ترین جوامع و با بودن بهترین الگوها، نمی توان تضمین کرد که هیچ خطایی رخ ندهد؛ از این رو، گفته اند: «انسان جایزالخطا است». توجه به این حقیقت، هشدار در باب شناخت بیش تر ماهیت انسان و به کار گرفتن درست اصل امر به معروف و نهی از منکر است. افزون بر این، نه تنها ارتکاب فحشا و اعمال ناپسند، از نظر دینی منکر است، گزارش و نقل و نشر آن نیز نوعی منکر به شمار می رود؛ از این رو اگر کسی مرتکب گناهی شد، موظف است آن را پنهان نگه دارد و از تجاهر به آن خودداری کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، پس از آن که مسلمانی را که زنا کرده و آن گاه خود به آن اعتراف کرده بود، حد زد، فرمود: «هر کس بدین ناپاکی ها آلوده شد، سزاوار است که خود را با پوشش خداوند متعال، درپوشد و اظهار نکند».[۲]

امام علی (علیه السلام) نیز پس از آن که مسلمانی به گناهی که مستوجب حد بود، اعتراف کرد، خشمگین شد و فرمود: «چه قدر زشت است که یکی از شما مرتکب این گونه فحشاها می شود و سپس در برابر همگان خود را رسوا می کند! چرا در خانه اش توبه نکرد؟ به خدا سوگند، توبه اش میان خود و خدا، برتر از اجرای حد بر او به وسیله من است».[۳] بنابراین نه تنها مرتکب گناه، حق ابراز آن را ندارد، بلکه دیگران نیز حق ندارند که گناه پنهان کسی را آشکار و عیان سازند و آن را منتشر کنند. قرآن کریم نیز، در این باب تهدید سنگینی کرده است.[۴]

رعایت ظواهر و پایبندی به اصول اخلاق اجتماعی، مسئله ای است و اخلاقی زیستن در نهان و داشتن خشیت الهی، مسئله دیگری است. امر به معروف و نهی از منکر در پی تأمین مسئله نخست است. بر این اساس، هرگونه پرده دری و افشاگری درباره گناهان نهان، خود نوعی منکر و مستوجب مجازات است.

روزی خلیفه دوم بر منبر خود با صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مشورت کرد و پرسید: «اگر امام به چشم خویش منکری بیند، آیا سزاوار است که بر عامل آن حد بزند؟» گروهی گفتند: «روا بود».[۵]

امام علی (علیه السلام) نیز پس از آن که مسلمانی به گناهی که مستوجب حد بود، اعتراف کرد، خشمگین شد و فرمود: «چه قدر زشت است که یکی از شما مرتکب این گونه فحشاها می شود و سپس در برابر همگان خود را رسوا می کند! چرا در خانه اش توبه نکرد؟ به خدا سوگند، توبه اش میان خود و خدا، برتر از اجرای حد بر او به وسیله من است»

معلوم می شود اینها فقط مسئله مجازات را مد نظر داشتند، گویی که هدف اصلی مجازات و تنبیه مجرم است. حال آن که واضع قانون، که خداوند علیم و حکیم است، اهداف دیگری را نیز برای آن در نظر گرفته است که مهم ترین آنها،

حفظ سلامت جامعه و حفظ ظاهر آن است. امام علی (علیه السلام) که در آن جا حضور داشت، این پاسخ را نپسندید و اعلام داشت: «خداوند متعال خود، شرط اجرای این گونه حدود را گواهی دو شاهد عادل قرار داده است و به شهادت امام که خود یک نفر است، نمی شود استناد کرد که بتواند با گواهی خود حدی را اجرا کند». «این کاری است که خدای عزوجل در دو عدل (دو نفر شاهد عادل) قرار داده است و یک تن کفایت نمی کند. همچنین خداوند تعالی روا نداشته است که امام به علم خویش در این جا، عمل کند، بلکه بر او واجب نموده که از آن چشم فرو پوشد». [۶]

از نظر امام، حفظ سلامت آشکار جامعه، مهم‌تر از اجرای حدود خاص است که مستلزم رسواسازی و افشاگری است؛ از این رو طی سخنان کوبنده ای از یاران خود می خواهد دست از پرده دری بردارند و خود را برتر از گناه کاران ندانند و همواره در نظر داشته باشند که بسا گناه دیگران آمرزیده شود، اما از آنان، نه. امام در این باب چنین توصیه می کند: «بر کسانی که گناه ندارند و از سلامت دین برخوردارند، سزاوار است که بر گناه کاران و نافرمانان رحمت آرند و شکر این نعمت بگزارند؛ چندان که این شکرگزاری آنان را مشغول دارد و به گفتن عیب مردمان وانگذارد. چه رسد به عیب جویی که برادر را نکوهش کند و به آنچه بدان گرفتار است، سرزنش نماید. آیا به خاطر ندارد که خدا چگونه بر او بخشید و گناهانش را پوشید (بزرگ‌تر از گناهی که او را بدان مذمت کند)؟ چگونه او را مذمت کند که خود چنان گناهی کرده است (لیکن پوشیده و در پرده است)؟ اگر چنان گناهی نداشته، گناهان دیگری داشته که از آن گناه بزرگ‌تر است. به خدا سوگند، اگر گناهی که کرده بزرگ نیست بلکه گناهی کوچک است، اما این که او جرأت بیان کارهای زشت مردمان را دارد، آن را گناهی بزرگ‌تر باید شمرد. ای بنده خدا در گفتن عیب کسی که گناهی کرده است، شتاب مکن! چه این که، امید می رود که آن گناه را بر او ببخشند و بر گناه خرد خویش ایمن مباش! چه این که، ممکن است تو را برای ارتکاب آن عذاب کنند. پس اگر از شما کسی عیب دیگری را دانست، به خاطر عیبی که در خود می داند، به زبان نیاورد و همین که خدا به او توفیق داده که گناهی را که دیگری مرتکب شده، انجام نداده است، او را از آزردن دیگری به دلیل گناهش باز دارد». [۷]

امام بر این مسئله چنان تأکید دارد که در عهدنامه اش به مالک اشتر، او را از کسانی که گناه نهان افراد را آشکار می سازند، برحذر می دارد و توصیه می کند که گناه مردمان را بیوشاند: «او را از رعیت خود دورتر دار و با او دشمن باش که عیب مردم را بیش‌تر جوید، که همه مردم را عیب‌هایی دارند و والی از هر کس سزاوارتر به پوشیدن آنها است. پس مبدا آنچه را بر تو نهان است آشکار گردانی! و باید آن را که برایت پیدا است بیوشانی و داوری در آنچه از تو نهان است با خدای جهان است. پس چندان که می توانی زشتی را بیوشان تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا بر تو بیوشاند». [۸]

کسانی که در پی عیب جویی و عیب یابی این و آنند، یا خود عیبناک اند و یا در سر سویدای آرزوی آن را دارند. آن که در پی افشای گناهان دیگری است، یا خود در حسرت ارتکاب گناه می سوزد و یا آن که می خواهد با این کار، قبح عمل از بین برود و زمینه گناه کاری او نیز فراهم شود. امام علی (علیه السلام)، این نکته ظریف روانی را چنین گزارش کرده است: «عیبناکان، دوستدار پخش معایب مردمند، تا عذری برای عیبناکی خود فراهم آرند»

بدین ترتیب، امام علی (علیه السلام) ، جامعه را واقع گرایانه می بیند و می داند که همه مسلمانان قدیس نیستند و یوسف وار به پاکی زندگی نمی کنند. اما این دلیل نمی شود که هر گناه نهانی آشکار شود و کوس رسوایی هر مسلمانی را بر سر هر کوی و برزن زده شود. کسی که در پی عیب جویی این و آن است، همچون بیکاره بیچاره‌ای است که بر گندابی می نشیند و آن را با چوبی به هم می زند تا هر لحظه بوی ناخوش آن، رهگذران را بیازارد. این منطق امر به معروف نیست، مسلمان راستین آن است که خاکی بر آن گنداب بریزد و عفونت آن را بیوشاند، نه آن که عفونتش را به هر سو بپراکند. گوهر سخن امام همین است. هیچ توجیه اخلاقی برای رسوا کردن دیگران به سبب گناهان نهانشان نیست. بدین روی نه تنها به نام امر به معروف نمی توان پرده دری کرد، بلکه یکی از معروف ها ستر عیوب و پرده پوشی تا حد ممکن است؛ یعنی همان کاری که امام علی (علیه السلام) با مجرمانی می کرد که خود برای اعتراف کردن می آمدند. ایشان با تجاهر و دفع الوقت و تعویق اجرای حد، می کوشید پرده بر گناهان آنان بیفکند و مرتکبان منکر را بیمارانی می دانست که نیازمند ترحم هستند، نه دشمنانی سزاوار لگدکوبی.

در تحلیل نهایی، کسانی که در پی عیب جویی و عیب یابی این و آنند، یا خود عیبناک اند و یا در سر سویدای آرزوی آن را دارند. آن که در پی افشای گناهان دیگری است، یا خود در حسرت ارتکاب گناه می سوزد و یا آن که می خواهد با این کار، قبح عمل از بین برود و زمینه گناه کاری او نیز فراهم شود. امام علی (علیه السلام)، این نکته ظریف روانی را چنین گزارش کرده است: «عیبناکان، دوستدار پخش معایب مردمند، تا عذری برای عیبناکی خود فراهم آرند».[۹]

پی نوشت ها

[۱] یوسف ۵۳

[۲] قاضی فراء، الاحکام السلطانیة، ص ۲۹۵

[۳] کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۷، ص ۱۸۸

[۴] نور ۱۹

[۵] غزالی، محمد، کیمیای سعادت، ج ۶، ص ۱۵

[۶] همان.

[۷] نهج البلاغه، خطبه ۱۴۰ (ترجمه شهیدی).

[۸] همان، نامه ۵۳، ص ۳۲۷ (ترجمه شهیدی).

[۹] درایتی، مصطفی و حسین، تصنیف غررالحکم، ص ۴۲۱